

مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز  
دوره‌ی دهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، پیاپی ۷۴/۳، صفحه‌های ۱۲۳-۱۴۴  
(مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی پیشین)

## بررسی تأثیر معیارهای ذهنی اندازه‌گیری بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی از اجزای پایدار و ناپایدار سود

ندا قیومی\*      دکتر افسانه سروش‌یار\*\*      دکتر سعید علی‌احمدی\*\*\*  
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)

### چکیده

نحوه‌ی صحیح طبقه‌بندی ارقام و نیز شکل ارائه‌ی صورت‌های مالی یکی از راهکارهای بهبود فهم‌پذیری این صورت‌ها است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر طبقه‌بندی هم‌زمان ارقام سود بر اساس دو معیار ذهنی‌گرایی و پایداری بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از ارقام سود است؛ همچنین این پژوهش به بررسی تأثیر شکل ارائه‌ی صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی سود تحلیل‌گران می‌پردازد. به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از پرسشنامه‌ی مبتنی بر سناریو استفاده شده است. این پرسشنامه برگرفته از پژوهش هویت و همکاران (۲۰۱۵) است. قلمرو زمانی پژوهش سال ۱۳۹۶، جامعه‌ی آماری شامل تمامی تحلیل‌گران مالی فعال در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه‌ی آماری شامل ۱۳۶ تحلیل‌گر مالی است. نتایج نشان می‌دهد که ذهنی‌گرایی ارقام سود بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از این ارقام دارای تأثیر معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر برای ارقام سود با پایداری زیاد و کم در مواقعی که ذهنی‌گرایی بالا است، مقدار کمتری پیش‌بینی می‌شود. این نتیجه در هر دو شکل ماتریسی و متوالی صورت سود یا زیان صادق است؛ همچنین نتایج نشان می‌دهد که شکل ارائه‌ی صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از ارقام سود تأثیرگذار نیست.

**کلیدواژه‌ها:** طبقه‌بندی ذهنی‌گرایی، طبقه‌بندی پایداری، پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی، صورت سود یا زیان.

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری n.ghayoumi08@yahoo.com

\*\* استادیار گروه حسابداری (نویسنده‌ی مسئول) a\_soroushyar@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه حسابداری saeidaliahmadi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۸

## ۱. مقدمه

یکی از اهداف صورت‌های مالی کمک به پیش‌بینی استفاده‌کنندگان است. سود یکی از اقلامی است که همواره استفاده‌کنندگان به پیش‌بینی آن توجه می‌کنند. یکی از ویژگی‌های سود که به پیش‌بینی آن کمک می‌کند پایداری است. پایداری بیشتر، پیش‌بینی دقیق‌تر سود و اجزای آن را تسهیل می‌کند. افزون بر این قضاوت و دخالت مدیران باعث کاهش عینیت رقم سود و افزایش ذهنی‌گرایی آن می‌شود. به نظر می‌رسد که طبقه‌بندی اجزای سود در صورت سود یا زیان بر اساس دو معیار پایداری و ذهنی‌گرایی به صورت هم‌زمان، منجر می‌شود به اینکه محتوای پیش‌بینی‌های سود که تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند، بهبود یابد؛ زیرا اطلاعات و جزئیات بیشتری را به آنان منتقل می‌سازد. با این حال پژوهش‌های پیشین به‌طور کلی فقط مفاهیم یکی از این طبقه‌بندی‌ها، مثلاً یا پایداری یا ذهنی‌گرایی، را در نظر گرفته‌اند. به‌طور خاص زمانی که معیارهای ذهنی اندازه‌گیری نسبتاً بالا باشد، اگر مدیران یک‌قلم سود را که دارای پایداری بیشتری باشد معرفی کنند، بعدازآن بیشتر احتمال دارد که تحلیل‌گران ادراک کنند که این قلم دارای پایداری کمتری است. به‌طور مشابه زمانی که معیارهای ذهنی اندازه‌گیری نسبتاً پایین باشد، اگر مدیران یک‌قلم سود را به‌عنوان موردی که دارای پایداری سود کمتری است معرفی کنند، بعدازآن بیشتر احتمال دارد که تحلیل‌گران ادراک کنند که این قلم دارای پایداری بیشتری است (هویت و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵).

شکل ارائه صورت سود یا زیان نیز خالی از اهمیت نیست. شکل ارائه صورت سود یا زیان احتمالاً بر درک و برداشت استفاده‌کنندگان تأثیر خواهد داشت. به نظر می‌رسد شکل ماتریسی در مقایسه با شکل متوالی که به‌طور سنتی مورد حمایت استانداردها قرار گرفته است، استخراج اطلاعات را از صورت سود یا زیان تسهیل می‌کند (اسچاد و کلینمانتر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴).

چنین به نظر می‌رسد که شکل فعلی صورت سود یا زیان و نیز کلی‌گرایی شیوه طبقه‌بندی اقلام در صورت سود یا زیان، امکان درک ویژگی‌های پایداری اقلام سود را برای استفاده‌کنندگان فراهم نمی‌آورد و مانع از پیش‌بینی صحیح و تحلیل دقیق استفاده‌کنندگان می‌شود. بر این اساس این پژوهش بر آن است تا به بررسی تأثیر طبقه‌بندی مفصل‌تر اجزای سود بر حسب پایداری و ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی بپردازد؛ همچنین تأثیر شکل ارائه صورت سود یا زیان را بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مطالعه کند.

در ادامه مقاله، مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه ارائه می‌شود. سپس به

بیان فرضیه‌های پژوهش و روش آزمون آن‌ها پرداخته می‌شود. در نهایت یافته‌های پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی بر اساس نتایج به‌دست‌آمده ارائه می‌گردد.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

صورت‌های مالی بخش اصلی فرآیند گزارشگری مالی را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین منبع در اختیار استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی است؛ از این رو اینکه صورت‌های مالی برای استفاده‌کنندگان فهم‌پذیر باشد به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات از اهمیت خاصی برخوردار است. نحوه صحیح طبقه‌بندی اقلام یکی از راهکارهای بهبود فهم‌پذیری صورت‌های مالی است. در این راستا برخی محققان و استانداردها گزاران بر این عقیده‌اند که طبقه‌بندی اقلام سود بر اساس ویژگی‌های اساسی آن، برای پیش‌بینی و ارزش‌گذاری مفید است (پنمن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). به‌عنوان مثال، پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که طبقه‌بندی اجزای سود بر اساس پایداری آن‌ها (مثلاً طبقه‌بندی اقلام سود بر اساس این موضوع که کدام‌یک از آن‌ها نشان‌دهنده مقادیر آینده خود است) منجر به بهبود محتوای پیش‌بینی‌های مربوط به سود می‌شود (فیرفیلد و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶) و تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران از آن استفاده می‌کنند (برادشو و اسلوان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). در ادامه پژوهش‌هایی که اسلوان<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) انجام داد، نتایج یک جریان پژوهشی جدید نشان می‌دهد که اطلاعات مربوط به معیارهای ذهنی<sup>۷</sup> اندازه‌گیری (بدین معنا که تا چه حد مدیران از قضاوت خود برای اندازه‌گیری هر قلم استفاده می‌کنند) برای پیش‌بینی مفید است و این را حداقل تا حدود زیادی سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران برای پیش‌بینی و ارزیابی در نظر می‌گیرند (اسلوان، ۱۹۹۶؛ زی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱؛ الگرس و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳؛ سانگ و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰؛ کلور و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۴). علی‌رغم اینکه طبقه‌بندی‌های پایداری و ذهنی‌گرایی اغلب در یک گزارش مالی ظاهر می‌شود، در پژوهش‌های پیشین عمدتاً این دو مجزا بررسی شده‌اند و این سازگار با این برداشت است که پایداری و ذهنی‌گرایی رابطه‌ای معکوس با یکدیگر دارند؛ همچنین بسیاری از محققان فرض می‌کنند که استفاده مشارکت‌کنندگان بازار از طبقه‌بندی پایداری اقلام سود متفاوت از طبقه‌بندی ذهنی‌گرایی نیست.

اندازه‌گیری ذهنی اغلب به هر دو خطای عمدی (فیلدز و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۱) و خطای سهوی (پیترسون<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۲) در گزارشگری منجر می‌شود؛ بنابراین انتظار بر این است که

تحلیل‌گران درک کنند که طبقه‌بندی جزء پایدار سود، با احتمال بیشتری با اشتباه همراه است؛ به‌خصوص زمانی که معیارهای ذهنی بالا باشد. همچنین نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تحلیل‌گران کمتر بر اطلاعاتی که احتمال بروز گزارش‌دهی نادرست در آن‌ها وجود دارد، تکیه می‌کنند (الیوت و هانا<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۶). با ترکیب این دودسته از پیشینه بحث، پیش‌بینی می‌شود در مواقعی که اندازه‌گیری‌های ذهنی در سطوح بالاتری قرار دارد، تحلیل‌گران کمتر بر طبقه‌بندی پایداری هر یک از اجزای سود تکیه می‌کنند. با ترکیب این دو جریان از پیشینه بحث، چنین پیش‌بینی می‌شود که تحلیل‌گران در شرایطی که ذهنی‌گرایی در سطح بالایی قرار دارد در مقایسه با زمانی که ذهنی‌گرایی پایین است، به طبقه‌بندی پایداری ارقام سود کمتر اتکا می‌کنند. بر این اساس در این مطالعه چگونگی تأثیرگذاری طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران بررسی می‌شود.

در پژوهش‌های پیشین عمدتاً از شکل متوالی<sup>۱۵</sup> که در آن طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی به صورت جداگانه نمایش داده می‌شود، به‌عنوان پایه‌ای برای بررسی این موضوع که چگونه افراد به پردازش اطلاعات می‌پردازند، استفاده شده است (به‌عنوان مثال پژوهش اسپچاد و کلینمانتز، ۱۹۹۴). علی‌رغم اینکه شکل متوالی مورد توجه استانداردها گذاران بوده است، لیکن تئوری‌های مبتنی بر روانشناسی نشان می‌دهند که شکل ماتریسی<sup>۱۶</sup> که در آن ردیف‌ها نشان‌دهنده طبقه‌بندی پایداری و ستون‌ها نشان‌دهنده طبقه‌بندی ذهنی است، بهتر از شکل متوالی می‌تواند اطلاعات را به استفاده‌کننده منتقل سازد (اسپچاد و کلینمانتز، ۱۹۹۴)؛ زیرا اگر طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی به‌طور هم‌زمان در قالب شکل متوالی ارائه شود، تحلیل‌گران برای پردازش این طبقه‌بندی‌ها باید به ارزش‌های دو ستون توجه کنند. این در حالی است که در شکل ماتریسی برای پردازش هر دو طبقه‌بندی کافی است که تحلیل‌گران بر اعداد یک ستون متمرکز شوند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که شکل ماتریسی، تحلیل صورت‌های مالی را تسهیل می‌کند؛ از این رو پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه شکل ارائه طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیر می‌گذارد. با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده، این پژوهش با تکیه بر دو جریان از پیشینه بحث پیرامون ذهنی‌گرایی و پایداری، اولاً تأثیر طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران را بررسی می‌کند و ثانیاً به مطالعه تأثیر شکل ارائه صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از سود می‌پردازد. در ادامه به برخی مطالعات انجام‌شده در این حوزه اشاره می‌شود.

فان و همکاران<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «مدیریت سود با استفاده از جابه‌جایی طبقه‌بندی: شواهدی از اقلام خاص فصلی» بدین نتیجه دست یافتند که جابه‌جایی طبقه‌بندی در سه‌ماهه آخر سال، بیشتر از سایر زمان‌ها رخ می‌دهد. همچنین آنان دریافتند در مواقعی که به دلیل قرار گرفتن در دامنه‌الگوی برتر، دست مدیر برای دست‌کاری اقلام تعهدی بسته شده است، احتمال جابه‌جایی طبقه‌بندی بیشتر است.

پان<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «تغییر طبقه‌بندی سود و پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی» به بررسی این موضوع پرداخت که آیا جابه‌جایی طبقه‌بندی اجزای سود بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از سودهای فصلی تأثیرگذار است. یافته‌های پژوهش نشان داد که تحت میزان مشخصی اخبار سود، تحلیل‌گران پیش‌بینی خود را از سودهای فصلی شرکت‌هایی که جابه‌جایی در طبقه‌بندی اجزای سود داشته‌اند، در مقایسه با شرکت‌هایی که جابه‌جایی در طبقه‌بندی نداشته‌اند، تعدیل کرده‌اند. این نشان می‌دهد که اقلام جابه‌جاشده در طبقه‌بندی‌ها، پایداری کمتری دارند؛ بنابراین جابه‌جایی‌های رخ داده در طبقه‌بندی اجزای سود، پیش‌بینی سود را برای تحلیل‌گران دشوارتر می‌سازد؛ به طوری که پیش‌بینی‌های آن‌ها از دقت کمتری برخوردار است.

چای و ناکانو<sup>۱۹</sup> (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «اثر تغییر طبقه‌بندی بر دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران: شواهدی از ژاپن» دریافتند که سود عملیاتی در شرکت‌های ژاپنی بیش از واقع نشان داده می‌شود. نتیجه دیگر پژوهش بیانگر این است که در شرکت‌هایی که برای دست‌کاری سود رو به افزایش، به تغییر طبقه‌بندی می‌پردازند، دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران از سود عملیاتی شرکت کمتر است.

هویت و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «اثر اندازه‌گیری طبقه‌بندی ذهنی‌گرایی بر استفاده تحلیل‌گران از طبقه‌بندی پایداری در هنگام پیش‌بینی اجزاء سود» با استفاده از تجزیه و تحلیل مبتنی بر سناریو به بررسی این موضوع پرداخت که چگونه تحلیل‌گران ادراک خود از تفاوت در پایداری و تفاوت در معیارهای ذهنی اندازه‌گیری را در پیش‌بینی‌های خود لحاظ می‌کنند. نتایج پژوهش نشان داد هنگامی که معیارهای ذهنی اندازه‌گیری در سطح بالایی است، تحلیل‌گران تکیه کمتری بر طبقه‌بندی پایداری اجزای سود دارند؛ همچنین آنان دریافتند که تحلیل‌گران مقدار کمتری (بیشتری) برای یک‌قلم سود با پایداری زیاد (کم) گزارش می‌دهند، به خصوص زمانی که آنان این‌گونه ادراک کنند که تحلیل‌گران معیارهای

ذهنی اندازه‌گیری بالاتری را مدنظر داشته‌اند.

وو<sup>۲۰</sup> (۲۰۱۶) به انجام پژوهشی با عنوان «تغییر طبقه‌بندی به‌عنوان ابزار مدیریت سود در شرکت‌های اروپایی» پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از این است که شرکت‌های اروپایی از تغییر طبقه‌بندی، شامل وارد کردن و خارج کردن اقلام غیرمستمر برای دست‌کاری سود اصلی شرکت استفاده می‌کنند. همین‌طور شواهد نشان داد که مدیران از تغییر طبقه‌بندی‌ها برای جلوگیری از گزارش زیان و رسیدن به سطوح سودی که تحلیل‌گران پیش‌بینی کرده‌اند، استفاده می‌کنند.

ملکیان و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر دقت سود پیش‌بینی شده توسط شرکت‌ها شواهدی از: بازار بورس و اوراق بهادار تهران» به بررسی عواملی همچون اندازه، عمر، دوره پیش‌بینی، اهرم مالی، دفعات تجدیدنظر، گزارش حسابرس، حضور در تالار اصلی یا فرعی و نوع صنعت بر دقت سود پیش‌بینی شده پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر رابطه منفی بین دوره پیش‌بینی، اهرم مالی و عمر شرکت با دقت پیش‌بینی است و وجود رابطه بین گزارش حسابرس با دقت پیش‌بینی را تأیید می‌کند. در سایر موارد رابطه معنی‌داری بین متغیرهای بررسی شده با دقت پیش‌بینی یافت نشد.

رضازاده و گروسی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «پایداری تفاضلی اجزای تعهدی و نقدی سود و پیش‌بینی سودآوری» درصدد پاسخ به این سؤال برآمدند که آیا پایداری تفاضلی اجزای تعهدی و نقدی در پیش‌بینی سودآوری تحت تأثیر مدیریت سود قرار دارد. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که جزء تعهدی سود نسبت به جزء نقدی سود رابطه‌ای قوی‌تر با میانگین دارایی‌ها در مخرج کسر معیار سودآوری دارد. در مقابل اجزای تعهدی و نقدی سود با سود عملیاتی سال آتی رابطه یکسانی دارند. این یافته‌ها حاکی از آن است که پایداری تفاضلی اجزای تعهدی و نقدی سود ناشی از مدیریت سود نیست، بلکه به دلیل تأثیر متفاوت اجزای تعهدی و نقدی سود در رشد دارایی‌ها است.

مرادزاده و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی خطای پیش‌بینی سود مدیریت و محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» به بررسی تأثیر اقلام تعهدی اختیاری بر خطای پیش‌بینی سود و نیز پیش‌بینی مدیریت به‌منظور تأمین مالی، بر این رابطه پرداختند. نتایج پژوهش از وجود رابطه منفی و معنی‌دار بین خطای پیش‌بینی سود مدیریت با کل اقلام تعهدی اختیاری حکایت می‌کرد. افزون بر این پیش‌بینی

مدیریت به‌منظور تأمین مالی از طریق بدهی‌ها، رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بین ارقام تعهدی اختیاری مثبت با خطای پیش‌بینی سود مدیریت ایجاد می‌کند؛ همچنین با دورنمای تأمین مالی از طریق بدهی‌ها، رابطه‌ای معنی‌دار بین ارقام تعهدی اختیاری منفی با خطای پیش‌بینی سود وجود ندارد.

هاشمی و ربیعی (۱۳۹۲) به انجام پژوهشی با عنوان «تحلیل مدیریت سود با استفاده از تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های عملیاتی به هزینه‌های غیرعملیاتی در میان دوره‌های مالی» پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها در میان دوره‌های مالی چهارم در مقایسه با سایر میان دوره‌های مالی بیشتر است. علاوه بر این تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها در میان دوره‌های مالی که سود عملیاتی ناچیز است، از سایر میان دوره‌های مالی بیشتر نیست.

شاهوردیانی و رادفر (۱۳۹۲) به انجام پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر اعتماد تحلیل‌گران مالی به مدیران» پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که عوامل صلاحیت، صداقت، شایستگی، عوامل فرهنگی بخش رفتاری و عوامل اجتماعی تأثیر زیادی در اعتماد تحلیل‌گران مالی به مدیران دارند؛ همچنین امانت‌داری، خیرخواهی و عوامل شخصی تأثیر متوسط و پایبندی به دین اسلام تأثیر کمی در اعتماد تحلیل‌گران مالی به مدیران دارد. بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که به‌سازمانی با مدیریت فردی که از خصوصیات صلاحیت، صداقت، شایستگی، عوامل فرهنگی بخش رفتاری و عوامل اجتماعی برخوردار باشد، می‌توان اعتماد کرد؛ در نتیجه این نیز می‌تواند باعث ایجاد محیطی سالم و برآوردکننده شرط لازم بازار کارا باشد.

افلاطونی (۱۳۹۵) با انجام پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی و متقارن بودن اطلاعات بر واکنش تأخیری قیمت سهام» دریافت که با افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش در میزان نامتقارن بودن اطلاعات، واکنش تأخیری قیمت سهام کاهش می‌یابد.

شجاعی و آقابیک‌زاده نائینی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر اجزای پایدار و ناپایدار سود بر رابطه بین نوسان سود و قابلیت پیش‌بینی سود» بدین نتیجه دست یافتند که هرچه نوسان پذیری سود افزایش پیدا می‌کند، قابلیت پیش‌بینی سود و اجزای سود کاهش می‌یابد؛ همچنین نتایج نشان داد که پایداری اجزای سود تأثیر معنی‌داری بر رابطه بین نوسان سود با قابلیت پیش‌بینی سود دارد. افزون بر این مقایسه تأثیر اجزای پایدار و ناپایدار سود بر

رابطه بین نوسان سود با قابلیت پیش‌بینی اجزای سود نشان از تأثیر بیشتر اجزای ناپایدار بر این رابطه دارد.

فروغی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «پایداری سود و اجزای تشکیل‌دهنده آن در سطح صنعت و شرکت» به بررسی پایداری سود برحسب سود نقدی و تعهدی در سطح سود خاص شرکت و سود خاص صنعت پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که پایداری سود خاص صنعت نسبت به سود خاص شرکت بیشتر است؛ همچنین جزء نقدی سود در سود خاص صنعت پایدارتر و جزء تعهدی سود در سطح سود خاص شرکت ناپایدارتر از سایر اجزاست. نتیجه دیگر تحقیق حاکی از این است که سرمایه‌گذاران تفاوت در پایداری اجزای سود را درک نمی‌کنند.

### ۳. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: تحلیل‌گران مقدار کمتری را برای یک‌قلم سود با پایداری زیاد پیش‌بینی می‌کنند، هنگامی که ذهنی‌گرایی آن بالاتر باشد.

فرضیه دوم: تحلیل‌گران مقدار بیشتری را برای یک‌قلم سود با پایداری کم پیش‌بینی می‌کنند، هنگامی که ذهنی‌گرایی آن بالاتر باشد.

فرضیه سوم: هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری زیاد، شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیرگذار است.

فرضیه چهارم: هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم، شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیرگذار است.

### ۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از لحاظ ماهیت به‌عنوان پژوهشی شبه‌تجربی و از نوع پیمایشی است. در این پژوهش به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از سناریوهایی در قالب پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه استاندارد و برگرفته از پژوهش هویت و همکاران (۲۰۱۵) است؛ لیکن به‌منظور اطمینان از روایی سناریو، قبل از توزیع نهایی پرسشنامه در بین نمونه پژوهش، سناریوی تدوین‌شده را استادان حسابداری بررسی کردند و نظرات آن‌ها اعمال شد. جامعه آماری این پژوهش تمامی تحلیل‌گران مالی فعال در بورس اوراق بهادار تهران است.



کوتر و همکاران<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۵) برای تعیین حجم نمونه هر گروه از توان آزمون استفاده کردند. بر اساس این روش در صورتی که سطح خطا ۵ درصد، توان آزمون ۹۰ درصد، تعداد ۴ گروه و اثر اندازه در حدود یک باشد، تعداد حجم نمونه پژوهش در هر گروه برابر ۳۰ مشارکت‌کننده خواهد بود. از آنجایی که این عدد بیانگر حداقل تعداد است، در این پژوهش تعداد ۳۴ مشارکت‌کننده برای هر گروه در نظر گرفته شد. از بین این تحلیل‌گران، نمونه آماری به روش در دسترس انتخاب شد. بدین ترتیب که این تحلیل‌گران باید دارای سه شرط زیر باشند:

سابقه بیش از ۵ سال داشته باشند؛

رشته تحصیلی مرتبط، (حسابداری، مدیریت مالی و اقتصاد) داشته باشند؛

تمایل به مشارکت در پژوهش داشته باشند.

پرسشنامه‌ها به صورت حضوری در اختیار ۱۳۶ تحلیل‌گر مالی قرار گرفت و تمامی پرسشنامه‌ها تکمیل شد و برگشت داده شد. از آنجاکه از چهار نوع پرسشنامه استفاده شد، هر نوع پرسشنامه را ۳۴ نفر تکمیل کردند.

پرسشنامه شامل صورت سود یا زیان و برخی اطلاعات یک شرکت فرضی است. در صورت سود یا زیان ارائه شده برای نشان دادن میزان ذهنی‌گرایی، اجزای سود در سه گروه اجزای نقدی، اجزای تعهدی و اندازه‌گیری مجدد دارایی‌ها و بدهی‌ها، شامل سود یا زیان ناشی از ارزشیابی مجدد و سایر تغییرات در ارزش دفتری تفکیک شد؛ همچنین برای نشان دادن میزان پایداری، اجزای سود در قالب سه گروه ذیل طبقه‌بندی شدند: اقلام عملیاتی، شامل بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش؛ سایر اقلام عملیاتی؛ اقلام غیرعادی یا غیرمستمر.

از پاسخ‌دهندگان خواسته شد با توجه به این اطلاعات به پیش‌بینی دو قلم از اجزای سود و نه کل رقم سود، بپردازند. این کار به دو دلیل انجام شد. اولاً سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران در کار آزمایشی تمایل دارند که رقم سود را نزدیک به رقم واقعی ارائه شده پیش‌بینی کنند (هویت<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۹). ثانیاً ممکن است تحلیل‌گران هنگام پیش‌بینی کلی سود، اجزایی از سود پیش‌بینی شده را نادیده بگیرند (براون و همکاران<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۴)؛ بنابراین در این پژوهش از پاسخ‌دهندگان خواسته شد به پیش‌بینی دو قلم از اجزای سود به صورت مجزا بپردازند. علاوه بر این از آنان خواسته شد که برداشت خود را در خصوص پایداری و ذهنی‌گرایی هر یک از این دو قلم سود ارائه دهند.

مشارکت‌کنندگان به چهار گروه تقسیم شده و به هر گروه یک نوع پرسشنامه داده شد؛ بنابراین از چهار نوع پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه‌ها به گونه‌ای تدوین شده است که در آن پاسخ‌دهندگان به پیش‌بینی مبلغ دو قلم سود با پایداری زیاد (منبع A) و کم (منبع B) پرداختند. در هر پرسشنامه میزان ذهنی‌گرایی این دو منبع متفاوت است. برای آزمون فرضیه اول و دوم، با مقایسه پیش‌بینی تحلیل‌گران در گروه‌های مختلف می‌توان پی برد که برای پیش‌بینی یک قلم سود با پایداری زیاد (کم)، میزان ذهنی‌گرایی چه تأثیری بر این پیش‌بینی‌ها دارد.

از بین پرسشنامه‌های فوق دو نوع پرسشنامه دارای شکل متوالی و دو نوع دارای شکل ماتریسی است که در هر کدام، اقلام دارای پایداری زیاد و کم و ذهنی‌گرایی بالا و پایین وجود دارد. در شکل متوالی طبقه‌بندی پایداری و ذهنی‌گرایی در ستون‌های مجزا انجام می‌شود؛ اما در شکل ماتریسی طبقه‌بندی ذهنی‌گرایی در ستون و طبقه‌بندی پایداری در سطر انجام می‌شود. با استفاده از پاسخ‌های به‌دست‌آمده پس از تکمیل پرسشنامه می‌توان دریافت که آیا شکل صورت سود یا زیان، بر پیش‌بینی اجزای سود تأثیرگذار است یا خیر. متغیرهای استفاده‌شده در این پژوهش، به دو گروه متغیر مستقل و وابسته تقسیم می‌شوند. متغیر وابسته پژوهش پیش‌بینی تحلیل‌گران از اجزای سود است. دو متغیر مستقل پژوهش ذهنی‌گرایی اقلام سود و شکل ارائه اطلاعات در صورت سود یا زیان، شامل شکل متوالی و ماتریسی است.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱- یافته‌های توصیفی پژوهش

نتایج آمار توصیفی مشارکت‌کنندگان پژوهش به صورت خلاصه در نگاره (۱) و (۲) ارائه شده است. آمار توصیفی از جنبه‌های جنسیت، سن، سابقه کاری و مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان بررسی شد.

نگاره ۱: نتایج آمار توصیفی سن و جنسیت پاسخ‌دهندگان

درصد	تعداد	جنسیت پاسخ‌دهندگان	درصد	تعداد	سن پاسخ‌دهندگان
۶۶/۲٪	۹۰	مرد	۳٪	۴	کمتر از ۲۵ سال
۳۳/۸٪	۴۶	زن	۵۳/۷٪	۷۳	بین ۲۵ تا ۳۵ سال
			۳۷/۵٪	۵۱	بین ۳۵ تا ۴۵ سال
			۵/۸٪	۸	بالاتر از ۴۵ سال
۱۰۰٪	۱۳۶	جمع کل	۱۰۰٪	۱۳۶	جمع کل

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی سن در افراد بررسی‌شده مربوط به سن ۲۵ تا ۳۵ سال (۵۳/۷ درصد) و کمترین فراوانی به سن کمتر از ۲۵ سال (۳ درصد) اختصاص دارد؛ همچنین نتایج نگاره نشان می‌دهد که درصد فراوانی مردان ۶۶/۲ درصد و زنان ۳۳/۸ درصد است. در ادامه نتایج آمار توصیفی سابقه کاری و مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان مشاهده می‌شود.

نگاره ۲: نتایج آمار توصیفی سابقه کاری و مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان

درصد	تعداد	مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان	درصد	تعداد	سابقه کاری پاسخ‌دهندگان
۲۲٪	۳۰	کارشناسی	۶۵٪	۸۸	بین ۵ تا ۱۰ سال
۶۷٪	۹۱	کارشناسی ارشد	۲۰٪	۲۷	بین ۱۰ تا ۱۵ سال
۱۱٪	۱۵	دکتری	۱۵٪	۲۱	بالاتر از ۱۵ سال
۱۰۰٪	۱۳۶	جمع کل	۱۰۰٪	۱۳۶	جمع کل

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی افراد تحت مطالعه دارای سابقه کاری بین ۵ تا ۱۰ سال (۶۵ درصد) و کمترین فراوانی افراد تحت مطالعه مربوط به افراد دارای سابقه کاری بالاتر از ۱۵ سال است (۱۵ درصد). نتایج نگاره نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی افراد بررسی‌شده مربوط به افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد (۶۷ درصد) است و افراد با

تحصیلات دکتری (۱۱ درصد) کمترین فراوانی افراد بررسی شده هستند.

## ۲-۵- نتایج مقایسه میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون  $t$  و  $F$  استفاده شده است؛ لیکن قبل از انجام این آزمون‌ها آزمون نرمال بودن انجام شده و نتایج آن به شرح نگاره (۳) است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بیشتر از  $0/05$  است، فرض نرمال بودن تأیید می‌شود.

### نگاره ۳: نتایج آزمون نرمال بودن

شرح	آماره کولموگروف - اسمیرنوف	سطح معنی‌داری
میانگین پیش‌بینی اقلام سود با پایداری زیاد (منبع A)	۰/۸۹۲	۰/۴۰
میانگین پیش‌بینی اقلام سود با پایداری کم (منبع B)	۱/۰۳۵	۰/۲۳

نتایج مرتبط با پیش‌بینی منبع (A) که دارای پایداری زیاد است، به تفکیک ذهنی‌گرایی و شکل در نگاره (۴) ارائه شده است. مبلغ منبع سود (A) در صورت سود یا زیان ارائه شده  $609$  است. تحلیل‌گران با در نظر گرفتن این عدد اقدام به پیش‌بینی سود کرده‌اند. در این نگاره نتایج میانگین و انحراف معیار پیش‌بینی تحلیل‌گران به تفکیک دو شکل متوالی و ماتریسی و نیز در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین ارائه شده است. تفاوت میانگین پیش‌بینی‌ها در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین در شکل متوالی، ماتریسی و کل به ترتیب  $225/76$ ،  $196/88$  و  $211/32$  و آماره  $t$  آن‌ها به ترتیب  $4/39$ ،  $3/51$  و  $5/59$  و سطح معنی‌داری همگی آن‌ها  $0/000$  است. چنانچه ملاحظه می‌شود مطابق با انتظار، میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران از این قلم سود در شرایطی که ذهنی‌گرایی بالا است، کمتر از حالتی است که ذهنی‌گرایی پایین است. نتایج مقایسه میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین با استفاده از آزمون  $t$  در این نگاره نشان می‌دهد که هم در شکل متوالی، هم در شکل ماتریسی و هم در سطح کل نمونه تفاوت معنی‌داری بین پیش‌بینی تحلیل‌گران از این منبع سود با پایداری زیاد وجود دارد؛ از این رو می‌توان استنباط کرد هنگامی که قلم سود پایداری زیادی دارد، تحلیل‌گران، ذهنی‌گرایی بالا و پایین را در پیش‌بینی قلم پایدار سود در نظر می‌گیرند.

نگاره ۴: میانگین پیش‌بینی اقلام سود با پایداری بالا (منبع A)

کل			شکل ماتریسی			شکل متوالی			
تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	
۶۸	۸۹/۹۶	۶۴۳	۳۴	۹۳/۹۹	۶۴۶/۵۳	۳۴	۸۷/۰۲	۶۳۹/۴۷	ذهنی‌گرایی پایین
۶۸	۲۹۸/۴۴	۴۳۱/۶۸	۳۴	۳۱۳/۱۸	۴۴۹/۶۵	۳۴	۲۸۶/۵۱	۴۱۳/۷۱	ذهنی‌گرایی بالا
۲۱۱/۳۲			۱۹۶/۸۸			۲۲۵/۷۶			تفاوت میانگین
۵/۵۹			۳/۵۱			۴/۳۹			ذهنی‌گرایی پایین و بالا
(۰/۰۰۰)			(۰/۰۰۱)			(۰/۰۰۰)			آماره t (سطح معنی‌داری)

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج مرتبط با پیش‌بینی منبع (B) که دارای پایداری کم است، به تفکیک ذهنی‌گرایی و شکل در نگاره (۵) ارائه شده است. مبلغ این منبع سود در صورت سود یا زیان ارائه شده ۵۹۴ است. تحلیل‌گران با در نظر گرفتن این عدد اقدام به پیش‌بینی سود کرده‌اند. تفاوت میانگین پیش‌بینی‌ها در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین در شکل متوالی، ماتریسی و کل به ترتیب ۲۵۰/۸۸، ۳۳۳/۱۵ و ۲۹۲/۰۱ و آماره t آن‌ها به ترتیب ۵/۱۷، ۶/۳۰ و ۸/۱۳ و سطح معنی‌داری همه آن‌ها ۰/۰۰۰ است.

نگاره ۵: میانگین پیش‌بینی اقلام سود با پایداری پایین (منبع B)

کل			شکل ماتریسی			شکل متوالی			
تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	
۶۸	۱۱۶/۳۰۹	۶۰۱/۸۱	۳۴	۱۳۴/۵۸	۶۰۱/۷۱	۳۴	۹۶/۷۰	۶۰۱/۹۱	ذهنی‌گرایی پایین
۶۸	۲۷۲/۵۲	۳۰۹/۷۹	۳۴	۲۷۷/۱۷	۲۶۸/۵۶	۳۴	۲۶۵/۴۳	۳۵۱/۰۳	ذهنی‌گرایی بالا
۲۹۲/۰۱			۳۳۳/۱۵			۲۵۰/۸۸			تفاوت میانگین ذهنی‌گرایی
۸/۱۳			۶/۳۰			۵/۱۷			پایین و بالا
(۰/۰۰۰)			(۰/۰۰۰)			(۰/۰۰۰)			آماره t (سطح معنی‌داری)

منبع: یافته‌های پژوهش

چنانچه ملاحظه می‌شود مطابق با انتظار، میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران از این قلم سود در شرایطی که ذهنی‌گرایی بالا است، کمتر از حالتی است که ذهنی‌گرایی پایین است. نتایج مقایسه میانگین پیش‌بینی تحلیل‌گران در دو حالت ذهنی‌گرایی بالا و پایین با استفاده از آزمون  $t$  در این نگاره نشان می‌دهد که هم در شکل متوالی، هم در شکل ماتریسی و هم در سطح کل نمونه تفاوت معنی‌داری بین پیش‌بینی تحلیل‌گران از این منبع سود با پایداری کم وجود دارد؛ از این رو می‌توان استنباط کرد هنگامی که قلم سود پایداری کم دارد، تحلیل‌گران ذهنی‌گرایی بالا و پایین را در پیش‌بینی قلم پایدار سود در نظر می‌گیرند.

### ۳-۵- نتایج آزمون فرضیه اول و سوم

فرضیه اول پژوهش به بررسی تأثیر ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از یک قلم سود با پایداری زیاد می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در نگاره (۶) ارائه شده است. آماره  $F$  متغیر ذهنی‌گرایی به میزان  $۲۶/۸۲۰$  است که در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر می‌توان بیان کرد که هنگام پیش‌بینی یک قلم سود با پایداری زیاد، تحلیل‌گران مقدار کمتری را پیش‌بینی خواهند کرد اگر ذهنی‌گرایی بالا باشد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. فرضیه سوم پژوهش به بررسی تأثیر شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از یک قلم سود با پایداری زیاد می‌پردازد. آماره  $F$  متغیر شکل به میزان  $۰/۳۱۹$  است که در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار نیست؛ به عبارت دیگر می‌توان بیان کرد هنگام پیش‌بینی یک قلم سود با پایداری زیاد، شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیرگذار نیست؛ از این رو فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود.

### نگاره ۶: نتایج آزمون فرضیه اول و سوم

منبع	نوع ۳ مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره $F$	سطح معنی‌داری
تقاطع (عرض از مبدأ)	۱۰۸/۲۴۶	۱	۱۰۸/۲۴۶	۷۸۰/۱۱۰	۰/۰۰۰
ذهنی‌گرایی	۳/۷۲۱	۱	۳/۷۲۱	۲۶/۸۲۰	۰/۰۰۰
شکل گزارش	۰/۰۴۴	۱	۰/۰۴۴	۰/۳۱۹	۰/۵۷۳
ذهنی‌گرایی * شکل گزارش	۰/۰۲۰	۱	۰/۰۲۰	۰/۱۴۶	۰/۷۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش

#### ۴-۵- نتایج آزمون فرضیه دوم و چهارم

فرضیه دوم پژوهش به بررسی تأثیر ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از یک‌قلم سود با پایداری کم می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در نگاره (۷) ارائه شده است. آماره  $F$  متغیر ذهنی‌گرایی به میزان  $۲۹/۲۶۰$  است که در سطح خطای  $۵$  درصد معنی‌دار است؛ لیکن برخلاف فرضیه پژوهش با توجه به میانگین پیش‌بینی‌های ارائه‌شده در نگاره (۵) این نتیجه حاصل شد که هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم، تحلیل‌گران مقدار کمتری را پیش‌بینی خواهند کرد اگر ذهنی‌گرایی بالا باشد؛ از این‌رو فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود.

فرضیه چهارم پژوهش به بررسی تأثیر شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از یک‌قلم سود با پایداری کم می‌پردازد. آماره  $F$  متغیر شکل به میزان  $۱/۳۹۸$  است که در سطح خطای  $۵$  درصد معنی‌دار نیست؛ به عبارت دیگر می‌توان بیان کرد هنگام پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم، شکل صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران تأثیرگذار نیست؛ از این‌رو فرضیه چهارم پژوهش رد می‌شود.

#### نگاره ۷: نتایج آزمون فرضیه دوم و چهارم

منبع	نوع ۳ مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره $F$	سطح معنی‌داری
تقاطع (عرض از مبدأ)	۸۷/۵۲۹	۱	۸۷/۵۲۹	۲۴۶/۵۳۵	۰/۰۰۰
ذهنی‌گرایی	۴/۷۸۵	۱	۴/۷۸۵	۲۹/۲۶۰	۰/۰۰۰
شکل گزارش	۰/۲۹۹	۱	۰/۲۹۹	۱/۳۹۸	۰/۲۳۹
ذهنی‌گرایی * شکل گزارش	۰/۲۷۷	۱	۰/۲۷۷	۱/۳۸۶	۰/۲۴۱

منبع: یافته‌های پژوهش

#### ۵-۵- نقش ویژگی‌های دموگرافیک بر یافته‌های پژوهش

در این بخش نقش جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کاری تحلیل‌گران مالی بر یافته‌های به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش بررسی می‌شود.

نقش جنسیت تحلیل‌گران بر پیش‌بینی آنان از اقلام سود با پایداری زیاد و کم در نگاره (۸) ارائه شده است.

## نگاره ۸: نتایج مربوط به نقش عامل جنسیت بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از ارقام سود

سطح معنی‌داری	آماره F	مربع میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات		قلم سود با
۰/۸۰۰	۰/۰۶۴	۳۸۵۲/۲۱۵	۱	۳۸۵۲/۲۰۵	بین گروه‌ها	پایداری زیاد (منبع A)
		۵۹۸۸۴/۲۸۵	۱۳۴	۸۰۲۴۴۹۴/۲۲۶	درون گروه‌ها	
			۱۳۵	۸۰۲۸۳۴۶/۴۴۱	کل	
۰/۳۸۶	۰/۷۵۸	۴۹۳۶۵/۷۴۹	۱	۴۹۳۶۵/۷۴۹	بین گروه‌ها	پایداری کم (منبع B)
		۶۵۱۶۶/۲۵۳	۱۳۴	۸۷۳۲۲۷۷/۸۹۰	درون گروه‌ها	
			۱۳۵	۸۷۸۱۶۴۳/۶۴۰	کل	

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نگاره (۸) نشان داده شده است مقدار آماره F برای مقایسه اختلاف واریانس بین گروه و درون گروه متغیر جنسیت برای منبع A برابر ۰/۰۶۴ و سطح معنی‌داری ۰/۸ و نشان‌دهنده نداشتن اختلاف معنی‌دار در پیش‌بینی ارقام سود با پایداری زیاد بین تحلیل‌گران زن و مرد است؛ همچنین مقدار آماره F برای مقایسه اختلاف واریانس بین گروه و درون گروه متغیر جنسیت برای منبع B برابر ۰/۷۵۸ و سطح معنی‌داری ۰/۳۸۶ و نشان‌دهنده نداشتن اختلاف معنی‌دار در پیش‌بینی ارقام سود با پایداری کم بین تحلیل‌گران زن و مرد است.

وضعیت سن تحلیل‌گران و نقش آن بر پیش‌بینی‌های انجام‌شده از ارقام سود در نگاره (۹) نشان داده شده است.

## نگاره ۹: نتایج مربوط به نقش عامل سن بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از ارقام سود

سطح معنی‌داری	آماره F	مربع میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات		قلم سود با
۰/۷۶۵	۰/۴۶۰	۲۷۷۷۶/۴۲۵	۴	۱۱۱۱۰۵/۷۰۲	بین گروه‌ها	پایداری زیاد (منبع A)
		۶۰۴۳۶/۹۵۲	۱۳۱	۷۹۱۷۲۴۰/۷۳۹	درون گروه‌ها	
			۱۳۵	۸۰۲۸۳۴۶/۴۴۱	کل	
۰/۸۱۴	۰/۳۹۱	۲۵۹۳۰/۶۶۲	۴	۱۰۳۷۲۲/۶۴۴	بین گروه‌ها	پایداری کم (منبع B)
		۶۶۲۴۳/۶۷۲	۱۳۱	۸۶۷۷۹۲۰/۹۹۳	درون گروه‌ها	
			۱۳۵	۸۷۸۱۶۴۳/۶۴۰	کل	

منبع: یافته‌های پژوهش



چنانچه در نگاره (۹) نشان داده شده است مقدار آماره  $F$  برای مقایسهٔ اختلاف واریانس بین گروه و درون‌گروه متغیر سن برای پیش‌بینی قلم سود با پایداری زیاد و کم به ترتیب برابر با  $۰/۴۶۰$  و  $۰/۳۹۱$  و سطح معنی‌داری آن‌ها  $۰/۷۶۵$  و  $۰/۸۱۴$  است و نشان‌دهندهٔ نداشتن اختلاف معنی‌دار بین پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود در سطوح مختلف سنی بوده است. نگاره (۱۰) نقش سطح تحصیلات تحلیل‌گران را بر پیش‌بینی‌های آن‌ها نمایش می‌دهد.

نگاره ۱۰: نتایج مربوط به نقش عامل تحصیلات بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود

سطح معنی‌داری	آماره $F$	مربع میانگین	درجهٔ آزادی	مجموع مربعات		قلم سود با پایداری زیاد (منبع A)
۰/۶۸۳	۰/۶۸۳	۲۲۹۵۱/۰۷۴	۲	۴۵۹۰۲/۱۴۷	بین گروه‌ها	
		۶۰۰۱۸/۳۷۸	۱۳۳	۷۹۸۲۴۴۴/۲۹۴	در گروه‌ها	
			۱۳۵	۸۰۲۸۳۴۶/۴۴۱	کل	
۰/۱۶۲	۱/۸۴۶	۱۱۸۵۹۸/۴۶۸	۲	۲۳۷۱۹۶/۹۳۵	بین گروه‌ها	قلم سود با پایداری کم (منبع B)
		۶۴۲۴۳/۹۶۰	۱۳۳	۸۵۴۴۴۴۶/۷۰۴	در گروه‌ها	
			۱۳۵	۸۷۸۱۶۴۳/۶۴۰	کل	

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نگاره (۱۰) ملاحظه می‌شود مقدار آماره  $F$  برای مقایسهٔ اختلاف واریانس بین گروه و درون‌گروه متغیر مدرک برای پیش‌بینی اقلام سود با پایداری زیاد برابر  $۰/۶۸۳$  و سطح معنی‌داری  $۰/۶۸۳$  است؛ همچنین مقدار آماره  $F$  برای مقایسهٔ اختلاف واریانس بین گروه و درون‌گروه متغیر مدرک برای منبع B برابر  $۱/۸۴۶$  و احتمال معنی‌داری  $۰/۱۶۲$  است. این یافته‌ها نشان می‌دهد اختلاف معنی‌داری بین پیش‌بینی تحلیل‌گران در سطوح مختلف تحصیلات وجود ندارد.

در نگاره (۱۱) نقش سابقهٔ کاری تحلیل‌گران را بر پیش‌بینی‌های آن‌ها نمایش می‌دهد.

## نگاره ۱: نتایج مربوط به نقش عامل سابقه کار بر پیش‌بینی تحلیل‌گران از اقلام سود

سطح معنی‌داری	آماره F	مربع میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات		قلم سود با پایداری زیاد (منبع A)
۰/۰۶۹	۲/۷۲۸	۱۵۸۱۷۰/۶۸۸	۲	۳۱۶۳۴۱/۳۷۲	بین گروه‌ها	
		۵۷۹۸۵/۰۰۱	۱۳۳	۷۷۱۲۰۰۵/۰۶۹	در گروه‌ها	
			۱۳۵	۸۰۲۸۳۴۶/۴۴۱	کل	
۰/۹۴۵	۰/۰۵۷	۳۷۳۱/۶۴۶	۲	۷۴۶۳/۲۹۳	بین گروه‌ها	قلم سود با پایداری کم (منبع B)
		۶۵۹۷۱/۲۸۱	۱۳۳	۸۷۷۴۱۸۰/۳۴۷	در گروه‌ها	
			۱۳۵	۸۷۳۸۱۶۴/۶۴۰	کل	

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نگاره (۱۱) نشان داده شده است مقدار آماره F برای مقایسه اختلاف واریانس بین گروه و درون گروه متغیر سابقه برای اقلام سود با پایداری زیاد و کم به ترتیب برابر ۲/۷۲۸ و ۰/۰۵۷ و سطح معنی‌داری آن‌ها به ترتیب ۰/۰۶۹ و ۰/۹۴۵ است. این نتیجه بیانگر نداشتن اختلاف معنی‌دار بین پیش‌بینی تحلیل‌گران با سوابق کاری مختلف است.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر طبقه‌بندی اجزای سود بر حسب پایداری و ذهنی‌گرایی و نیز تأثیر شکل ارائه صورت سود یا زیان بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی است. در این راستا چهار فرضیه مطرح شد. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان‌دهنده اثر معنی‌دار ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری زیاد است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که برای اقلام سود با پایداری زیاد در مواقعی که ذهنی‌گرایی بالا است، مقدار کمتری پیش‌بینی می‌شود؛ لذا فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. این نتایج مطابق با انتظارات تئوریک است. بر اساس مبانی نظری انتظار می‌رود هنگامی که ذهنی‌گرایی بالا باشد تحلیل‌گران رقم کمتری را پیش‌بینی کنند؛ زیرا بر این عقیده‌اند که اقلام دارای ذهنی‌گرایی بالا احتمالاً دارای اشتباهات عمدی یا سهوی هستند؛ از این رو اگرچه مدیر یک‌قلم سود را به عنوان رقمی با پایداری زیاد تلقی کرده است، لیکن نمی‌توان به آن اتکا کرد و ممکن است پایداری این قلم سود کمتر از آنچه مدیر گزارش کرده است، باشد؛ پس انتظار می‌رود در شرایط ذهنی‌گرایی بالا، علی‌رغم طبقه‌بندی

سود به‌عنوان رقمی پایدار، تحلیل‌گران این رقم سود را کمتر پیش‌بینی کنند. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون این فرضیه سازگار با نتایج هویت و همکاران (۲۰۱۵) است. اگرچه نتایج آزمون فرضیه دوم حاکی از تأثیر معنی‌دار ذهنی‌گرایی بر پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم است، لیکن نتایج مقایسه میانگین پیش‌بینی سود نشان می‌دهد که تحلیل‌گران برخلاف انتظارات تئوریک مبلغ کمتری را برای اقلام سود با پایداری کمتر پیش‌بینی می‌کنند؛ لذا فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود. این نتیجه به این دلیل حاصل شده است که پایداری کم، خود بیانگر نامحتمل بودن تکرار این قلم سود در آینده است؛ بنابراین برای این‌گونه اقلام، تحلیل‌گران مبلغ کمتری را پیش‌بینی می‌کنند. این نتایج برخلاف نتایج هویت و همکاران (۲۰۱۵) است. نتایج آزمون فرضیه سوم و چهارم بیانگر این است که شکل صورت سود یا زیان، بر پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری زیاد و نیز پیش‌بینی یک‌قلم سود با پایداری کم تأثیری ندارد؛ از این‌رو فرضیه سوم و چهارم رد می‌شود. این نتیجه را می‌توان چنین تفسیر کرد که تحلیل‌گران هنگام تحلیل صورت‌های مالی به‌دقت به بررسی جزئیات این صورت‌ها می‌پردازند و شکل ارائه صورت سود یا زیان نمی‌تواند نظرات آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد؛ به‌عبارت‌دیگر شکل متوالی یا ماترسی تأثیر فراوانی بر درک تحلیل‌گران مالی نداشته است. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون این فرضیه سازگار با نتایج هویت و همکاران (۲۰۱۵) است. نتایج بررسی ویژگی‌های دموگرافیک نیز نشان می‌دهد که سن، جنسیت، سابقه کاری و سطح تحصیلات تحلیل‌گران، بر پیش‌بینی آن‌ها از سود تأثیری ندارد.

#### ۷. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

با توجه به تأثیرگذاری طبقه‌بندی اقلام سود بر اساس ذهنی‌گرایی و پایداری به تدوین کنندگان استاندارد و تدوین‌کنندگان مقررات بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که به‌منظور تغییر شیوه طبقه‌بندی صورت سود یا زیان و الزام شرکت‌ها به افشای اجزای صورت سود یا زیان بر اساس این دو معیار طبقه‌بندی، استانداردهایی ارائه دهند.

برای پژوهش‌های آینده موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

بررسی مقایسه‌ای تأثیر شکل صورت سود یا زیان بدون تفکیک اجزای سود بر اساس پایداری بر پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی؛

بررسی نقش تخصص حسابرس بر درک وی از طبقه‌بندی اقلام سود.

### یادداشت‌ها

- |                        |                           |
|------------------------|---------------------------|
| 1. Hewitt et al.       | 2. Schkade and Kleinmuntz |
| 3. Penman              | 4. Fairfield et al.       |
| 5. Bradshaw and Sloan  | 6. Sloan                  |
| 7. Subjective Criteria | 8. Xie                    |
| 9. Elgers et al.       | 10. Song et al.           |
| 11. Clor-Proell et al. | 12. Fields et al.         |
| 13. Peterson           | 14. Elliott and Hanna     |
| 15. Sequential Format  | 16. Matrix Format         |
| 17. Fan et al.         | 18. Pan                   |
| 19. Chae and Nakano    | 20. Wu                    |
| 21. Kutner et al       | 22. Hewitt                |
| 23. Brown et al.       |                           |

### منابع

#### الف. فارسی

- افلاطونی، عباس (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی و متقارن نبودن اطلاعات بر واکنش تأخیری قیمت سهام، *پیشرفت‌های حسابداری*، ۸(۱)، ۱-۲۴.
- رضازاده، جواد و گروسی، حبیب‌الله (۱۳۹۰). پایداری تفاضلی اجزای تعهدی و نقدی سود و پیش‌بینی سودآوری، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۸(۶۳)، ۸۱-۹۴.
- شاهوردیانی، شادی و رادفر، مهتاب (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر اعتماد تحلیل‌گران مالی به مدیران، *دانش سرمایه‌گذاری*، ۲(۷)، ۳۵-۵۴.
- شجاعی، محمدرضا و آقاییک‌زاده نائینی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر اجزای پایدار و ناپایدار سود بر رابطه بین نوسان سود و قابلیت پیش‌بینی سود، *کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم*، شیراز، پژوهش شرکت ایده بازار صنعت سبز.
- فروغی، داریوش؛ امیری، هادی و ابراهیمیان، آریتا (۱۳۹۶). پایداری سود و اجزای تشکیل‌دهنده آن در سطح صنعت و شرکت، *پیشرفت‌های حسابداری*، ۹(۲)، ۶۳-۹۲.
- مرادزاده، مهدی؛ علیپور درویش، زهرا و نظری، هماد (۱۳۹۲). بررسی خطای پیش‌بینی سود مدیریت و محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار

تهران، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۲(۷)، ۱۵-۲۸.  
 ملکیان، اسفندیار؛ احمدپور، احمد؛ رحمانی نصرآبادی، محمد و دریایی، عباسعلی (۱۳۸۹).  
 عوامل مؤثر بر دقت سود پیش‌بینی‌شده توسط شرکت‌ها، شواهدی از: بازار بورس و اوراق  
 بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷(۶۱)، ۲۱-۳۶.  
 هاشمی، سید عباس و ربیعی، حامد (۱۳۹۲). تحلیل مدیریت سود با استفاده از تغییر طبقه‌بندی  
 هزینه‌های عملیاتی به هزینه‌های غیرعملیاتی در میان دوره‌های مالی، تحقیقات حسابداری  
 و حسابرسی، ۵(۱۸)، ۴-۱۷.

#### ب. انگلیسی

- Bradshaw, M. T., & Sloan, R. G. (2002). GAAP versus the street: An empirical assessment of two alternative definitions of earnings. *Journal of Accounting Research*, 40 (1), 41-66.
- Brown, L. D., Call, A. C., Clement, M. B. & Sharp, N. Y. (2014). *Inside the Black Box of Sell-side Analysts*. Working paper, Temple University.
- Chae, S. & Nakano, M. (2015). The effect of classification shifting on analyst forecast accuracy: Evidence from Japan. *Hitotsubashi Journal of Commerce and Management*, 49, 25-35.
- Clor-Proell, S. M., Proell, C. A. & Warfield, T. D. (2014). The effects of presentation salience and measurement subjectivity on nonprofessional investors' fair value judgments, *Contemporary Accounting Research*, 31 (1), pp 45-66.
- Elgers, P. T., Lo, M. H. & Pfeiffer, R. J. (2003). Analysts' vs. investors' weighting of accruals in forecasting annual earnings, *Journal of Accounting and Public Policy*, 22 (3), 255-280.
- Elliott, J. A. & Hanna, J. D. (1996). Repeated accounting write-offs and the information content of earnings, *Journal of Accounting Research*, 34, 135-55.
- Fairfield, P. M., Sweeney, R. J. & Yohn, T. L. (1996). Accounting classification and the predictive content of earnings. *The Accounting Review*, 71 (3), 337-355.
- Fan, Y., Barua, A., Cready, W., & Thomas, W. (2010). Managing earnings using classification shifting: Evidence from quarterly special items. *The Accounting Review*, 85 (4), 1303-1323.

- Fields, T. D., Lys, T. Z. & Vincent, L. (2001). Empirical research on accounting choice. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1-3), 255-301.
- Hewitt, M. (2009). Improving investors' forecast accuracy when operating cash flows and accruals are differentially persistent. *The Accounting Review*, 84 (6), 1913-1931.
- Hewitt, M., Tarca, A. & Yohn, T. L. (2015). The effect of measurement subjectivity classifications on analysts' use of persistence classifications when forecasting earnings items. *Contemporary Accounting Research*, 32 (3), 1000-1023.
- Pan, S. (2014). Income Classification Shifting and Financial Analysts' Forecastes. PhD Dissertation. Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College.
- Penman, S. H. (2013). *Financial Statement Analysis & Security Valuation*. 5th edition. Boston: McGraw-Hill Irwin.
- Peterson, K. (2012). Accounting complexity, misreporting, and the consequences of misreporting. *Review of Accounting Studies*, 17 (1), 72-95.
- Schkade, D. A., & Kleinmuntz, D. N. (1994). Information displays and choice processes: Differential effects of organization, form, and sequence. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 57 (3), 319-337.
- Sloan, R. (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings? *The Accounting Review*, 289-315.
- Song, C. J., Thomas, W. B. & Yi, H. (2010). Value relevance of FAS 157 fair value hierarchy information and the impact of corporate governance mechanisms. *The Accounting Review*, 85(4), 1375-1410.
- Wu, E. (2016). Classification Shifting as an Earnings Management Tool among European Firms, Master's thesis, Faculty School of Economics, Erasmus University of Rotterdam, Rotterdam.
- Xie, H. (2001). The mispricing of abnormal accruals. *The Accounting Review*, 76 (3), 357-373.